

فَتْحُ الْقُلُوبِ



كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ عَنْ أَصْفَهَانَ وَمَعَالِمِهَا الْأَثَرِيَّةِ* الْإِسْلَامِيَّةِ. كَانَتِ السَّيَّارَةُ تَقْتَرِبُ
بِنَا مِنْ مَدِينَةِ أَصْفَهَانَ لِسَفَرَةٍ* سِيَاحِيَّةٍ عَائِلِيَّةٍ* .
بَعْدَ أَنْ وَصَلْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ، اسْتَرَحْنَا قَلِيلًا ثُمَّ خَرَجْنَا جَمِيعًا إِلَى سَاحَةِ «نَقْشِ
جَهَانَ» وَهِيَ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَالِمِ الْأَثَرِيَّةِ حُسْنًا وَجَمَالًا بِمَا فِيهَا مِنْ مَسَاجِدَ وَأَبْنِيَّةٍ
تَارِيخِيَّةٍ أُخْرَى.

* * *

– أبتاه! لَقَدْ رَأَيْنَا فِي التَّارِيخِ آثَارَ غَزْوِ الْمُهَاجِمِينَ مِنْ دِمَارٍ وَ هَدْمٍ وَ قَتْلِ فِي
حَقِّ الْأَبْرِيَاءِ... وَلَكِنْ ...

– وَلَكِنْ مَاذَا يَا وَلَدِي؟!

– وَلَكِنَّ الْفَتْحَ الْإِسْلَامِيَّ لِإِيرَانَ ... عَجِيبٌ!

– وَأَيْنَ الْعَجَبُ؟!

– الْعَجَبُ فِي الْأَثَرِ الَّذِي خَلَّفَهُ هَذَا الْفَتْحُ مِنْ حَضَارَةٍ وَ مَدَنِيَّةٍ وَ أَرْزِهَارٍ عِلْمِيٍّ.
– يَا بُنَيَّ! ... إِنَّ الْإِسْلَامَ لَمْ يَفْتَحِ الْبِلَادَ بِهَدْفِ الْأَحْتِلَالِ وَ السَّلْبِ وَ التَّهْبِ



بَلْ كَانَ يَفْتَحُ الْقُلُوبَ قَبْلَ فَتْحِ الْبِلَادِ!

— ماذا تعني يا أبتاه؟!

شَرِبَ الْأَبُ كُوبًا شَايًا، فَقَالَ:

— عَلَى سَبِيلِ الْمَثَالِ... أَمَا قَرَأْتَ فِي التَّارِيخِ قِصَّةَ فَتْحِ «سَمَرْقَنْدَ» بِيَدِ الْمُسْلِمِينَ؟!

لَقَدْ غَزَا الْمُسْلِمُونَ مَدِينَةَ سَمَرْقَنْدَ، أَيَّامَ خِلَافَةِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ مِنْ غَيْرِ إِنْذَارٍ

وإِعْلَانٍ مُسَبِّقٍ.

فَقَدَّمَ أَهَالِي الْمَدِينَةِ شَكْوَى إِلَى الْخَلِيفَةِ، فَأَحَالَ الْخَلِيفَةُ الدَّعْوَى إِلَى الْقَاضِي.

فَحَكَّمَ الْقَاضِي بِإِطْلَانِ الْفَتْحِ الْإِسْلَامِيِّ لِلْمَدِينَةِ! لِأَنَّ الْفَتْحَ كَانَ مُخَالِفًا لِقَوَاعِدِ الْإِسْلَامِ الْحَرْبِيَّةِ فِي مَجَالِ نَشْرِ الدِّينِ الْإِلَهِيِّ.

الْإِسْلَامُ يَطْلُبُ مِنَ الْمُقَاتِلِينَ الْمُسْلِمِينَ الدَّعْوَةَ إِلَى الدِّينِ الْحَنِيفِ أَوَّلًا وَفِي

حَالَةِ الرَّفْضِ مِنْ جَانِبِ الْمُدْعُوِّينَ يَجِبُ أَنْ يَخْضَعُوا لِلْجُزْيَةِ أَوْ يَسْتَعِدُّوا لِلْحَرْبِ! ...

ولهذا أَمَرَ بِخُرُوجِ الْجَيْشِ مِنَ الْمَدِينَةِ!

فَلَمَّا رَأَى الْأَهَالِي هَذِهِ الْعَدَالَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ، طَلَبُوا الْبَقَاءَ تَحْتَ رَايَةِ الْإِسْلَامِ... .

نَعَمْ؛ يَا وَلَدِي! هَذَا هُوَ سِرُّ تَأْسِيسِ أَكْثَرِ حَضَارَاتِ الْعَالَمِ عَلَى

مَدَى التَّارِيخِ وَهِيَ الَّتِي تَمْتَازُ عَنِ الْحَضَارَاتِ الْأُخْرَى خُلُقًا وَ

سُلُوكًا وَعِلْمًا!



التَّمييز

دو مجموعه ی زیر را با هم مقایسه نماید و به سوالات پاسخ دهید :

جاءَ طالبٌ مُجْتَهِدٌ.
قَرَأْتُ هَذِهِ الْمَقَالََةَ.
حَضَرَتِ الَّتِي نَجَحَتْ فِي الْمَسَابِقَةِ.
هُوَ أَكْثَرُ مِنْكَ نَشَاطًا.

٢

جاءَ طالبٌ.
قَرَأْتُ هَذِهِ.
حَضَرَتِ الَّتِي
هُوَ أَكْثَرُ مِنْكَ.

١

- ١- آیا عبارت های مجموعه ی اول، از جهت آرکان جمله، کامل هستند؟
- ٢- آیا این عبارات، از جهت معنی نیز، واضح و کامل هستند؟
- ٣- در مجموعه ی دوّم، چه کلماتی اضافه شده اند؟
- ٤- آیا با آمدن این کلمات، جملات واضح تر نشده اند؟

در جمله ی اوّل، اسم نکره، با آمدن صفت و در جمله ی دوّم، اسم اشاره با آمدن مُشارالیه و در جمله ی سوّم، اسم موصول با آمدن صِله، واضح و کامل شده اند. اما جمله ی چهارم، با آمدن چه کلمه ای واضح شده است؟

بدانیم

نتیجه:

در جملات، علاوه بر نقش های اصلی، (فعل، فاعل، مبتدا، خبر) نقش هایی وجود دارند که ابهام کلمات ماقبل خود را برطرف می کنند.

در این درس، با یکی از نقش هایی که هدفش برطرف کردن ابهام کلمات و یا جملات است، آشنا می شویم!

دو عبارت زیر را با هم مقایسه نمایید و به سؤالات پاسخ دهید :

رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ.
رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كُوكِبًا.

۱- آیا در جمله‌ی اوّل، منظور از عدد «۱۱» مشخص است؟

۲- آیا کلمه‌ی «کوکباً» توانسته است این ابهام را برطرف کند؟

به کلماتی از قبیل «کوکباً» که ابهام اسم ماقبل خود را برطرف می‌نمایند، «تمییز» می‌گویند.

بدانیم

اکنون با دو مورد از کاربرد تمییز آشنا می‌شویم :

رفع ابهام از یک اسم (تمییز مفرد)

۱

با دقت در ترجمه‌ی عبارت‌های زیر، پاسخ سؤال را بیابید :

شَرِبْتُ كَأْسًا. ← شَرِبْتُ كَأْسًا لَبَنًا.

اِشْتَرَيْتُ مِثْرِينَ. ← اِشْتَرَيْتُ مِثْرِينَ قِمَاشًا.

اَنْفَقْتُ مَنًّا. ← اَنْفَقْتُ مَنًّا قَمَحًا.

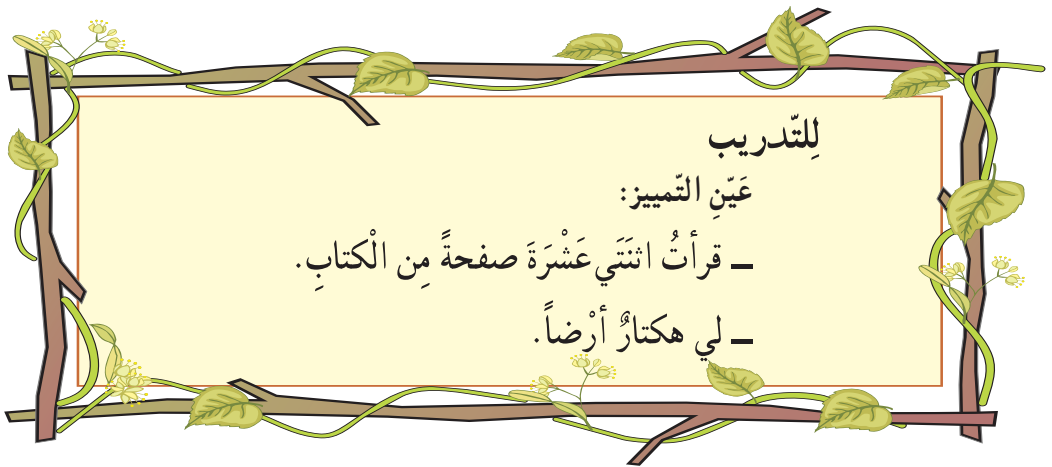
۱- در کدام مجموعه، مفهوم جملات کامل و واضح است؟

۲- کلمات «لبناً، قماشاً و قمحاً» ابهام چه کلمه‌ای را برطرف نموده‌اند؟

۳- کلمات «کأساً، مترین و منّاً» چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟

به کلماتی که پس از «وزن، مساحت، پیمان و عدد» می‌آیند و ابهام آن‌ها را برطرف می‌کنند، «تمییز مفرد» می‌گویند.

بدانیم



لِلتَّدرِيبِ

عَيْنِ التَّمييزِ:

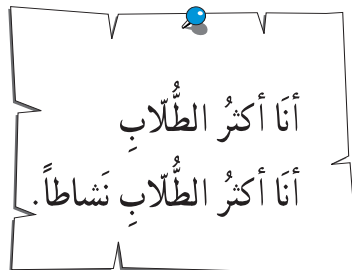
– قرأتُ اثنتي عَشْرَةَ صفحةً مِنَ الكِتَابِ.

– لي هكتارٌ أَرْضاً.

رفع ابهام از جمله (تمییز نسبت)

٢

با توجه به مفهوم دو عبارت زیر، به سؤالات پاسخ دهید:



– کدام جمله از جهت معنی کامل و واضح است؟

– «بیشتر» بودن متکلم از چه جهت است؟

– آیا در هر یک از کلمات «أنا»، «أكثر» و «الطلاب» به تنهایی ابهامی وجود دارد؟

– در این صورت کلمه «نشاطاً» برای رفع ابهام از چه کلمه‌ای آمده است؟

تمییز گاهی برای رفع ابهام موجود در جمله به کار می‌رود. به این نوع تمییز، «تمییز جمله» (نسبت) می‌گویند.

بدانیم

برای آشنایی بیشتر با تمییز جمله، به عبارات زیر توجه نمایید :

حَسَنَ الطَّالِبِ حُلُقًا.
فَجَرَ اللَّهُ الْأَرْضَ عِيُونًا.
الْمُؤْمِنُ أَكْثَرُ صَبْرًا مِنَ الْآخِرِينَ.

۲

حَسَنَ حُلُقِ الطَّالِبِ.
فَجَرَ اللَّهُ عِيُونَ الْأَرْضِ.
صَبْرُ الْمُؤْمِنِ أَكْثَرُ مِنَ الْآخِرِينَ.

۱

نقش کلمات مشخص شده در ردیف اول چیست؟
این کلمات در ردیف دوم چه نقشی دارند؟
آیا تفاوتی در ترجمه‌ی این عبارات‌ها وجود دارد؟
چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

تمییز نسبت می‌تواند در اصل، یکی از نقش‌های فاعل،
مفعول و یا مبتدا داشته باشد.

بدانیم

آیا می‌توانید بگویید تمییز چه هنگامی در اصل «مبتدا» بوده است؟
معمولاً در جمله‌ی اسمیه ○ معمولاً در جمله‌ی فعلیه ○
در عبارت «فَاضَ النَّهْرُ مَاءً» تمییز در اصل چه بوده است؟
مبتدا ○ فاعل ○



۱- در ترجمه‌ی «تمییز نسبت» دقت کنیم که تمییز در اصل به صورت مبتدا (اغلب در جمله‌های اسمیه: هي أكثر مَنِّي صبراً)، و یا فاعل (در جمله‌ی فعلیه و اغلب همراه فعل لازم: اِسْتَهَرَ هَذَا الطَّالِبُ جُهْداً) و یا مفعول (اغلب همراه فعل متعدی: فَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً) می‌آید.

۲- در ترجمه‌ی «تمییز نسبت»، در صورتی که اسم مورد نظر همراه اسم تفضیل آمده باشد، تمییز معمولاً در اصل «مبتدا» است و از این رو می‌تواند به شکل جمله‌ی اسمیه ترجمه شود: هي أكثر مَنِّي صبراً (صبر او از من بیشتر است).

کتاب‌های لغت، ابزار اصلی کار مترجم است!

آیا کار با فرهنگ‌های لغت را تمرین کرده‌اید؟!

متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سؤالات آن را ترجمه کنید:

كان في أسرة ولدان. أحدهما أكثرُ جهداً في اكتساب العلم فاشتهرَ علماً في المدينة. وأما الآخر فأكثرُ حرصاً في جمع المال. فأصبح الأولُ علامةَ عصره و الآخرُ تاجرَ مدينته. فنظرَ يوماً إلى أخيه العالمِ وقال له: أنا جمعتُ المالَ و أعيشُ الآن في راحةٍ و أنتَ باقٍ على فقرِكَ! فأجابه العالمُ: أنا أكثرُ

منكَ شكراً لله؛ لِأَنَّهُ وَهَبَنِي ميراثَ الأنبياءِ و هو العالمُ و أنتَ وِرثتَ ميراثَ فرعونَ و هامانَ و هو المُلْكُ و المالُ!

آیا نام «الْمُنَجِد» و «الْمُعْجَم الوسيط» را شنیده‌اید؟!

قسمت «معجم» کتاب درسی، مقدمه‌ی استفاده از قوامیس لغت است!

أَسْئَلَةُ:

□ المعنى

أ- أحدهما أكثرُ جهداً: یکی با جدیت بود ○ یکی از آن دو کوشاتر بود ○

هر دو از لحاظ تلاش کوشا بودند ○

ب- أخيه العالمِ: برادر دانشمندش ○ برادر دانشمند ○ برادران دانشمند ○

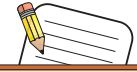
ج- أنا أكثرُ منك شكراً: بسیار از تو متشکرم ○ من از تو سپاسگزارم ○ من از تو سپاسگزارترم ○

د- وَهَبَ: بخشید ○ گرفت ○ هدیه گرفت ○

□ اِنتخب عنواناً مناسباً لِلنَّصِّ:

○ أهمية التجارة ○ الشكر لله ○ قيمة العلم ○

□ لِلْإِجَابَةِ: ماهو ميراثُ الأنبياءِ؟ المُلْكُ ○ العلمُ ○ التَّوْبَةُ ○



التمرين الأول

عَيِّن التَّمييزَ فِي العِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١- ﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً﴾
- ٢- ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾
- ٣- أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.
- ٤- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾

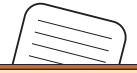


التمرين الثاني

أَكْمِلِ الفُرَاقَ بِكَلِمَاتٍ مَنَاسِبَةٍ ثُمَّ عَيِّنِ إِعْرَابَهَا:

فُرْيَةٌ، مُتَكَاسِلًا، إِكْرَامًا، أَجْرًا

- ١- أَعْظَمُ العِبَادَةِ ... أَخْفَاهَا.
- ٢- يُنْفِقُ الْمُؤْمِنُ أَمْوَالَهُ ... إِلَى اللَّهِ.
- ٣- يُكْرِمُ الْمُسْلِمُونَ ضُيُوفَهُمْ ... بِالغَا.
- ٤- لَا تَقِمُ الصَّلَاةَ



التمرين الثالث

عَيِّنِ إِعْرَابَ كَلِمَةِ «خَيْرٍ» فِي العِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١- ﴿فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾
- ٢- ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾
- ٣- ﴿وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾
- ٤- لَا خَيْرَ فِي وُدِّ أَمْرِيٍّ مُتَلَوِّنٍ!

ترجم الكلمات التالية ثم اجعل كلاً منها في مكانها المناسب لتصبح حديثاً شريفاً:
 («مُشاوَرَةُ العُلَمَاءِ، العَجَلَةُ، الصَّبْرُ فِي الأُمُورِ، التَّهَاؤُنُ، الأِسْتِبدَادُ بالرَّأْيِ، الأِعتِبَارُ
 بالتَّجَارِبِ.»)

أشدُّها إضراراً للعقلِ :

.....

و

.....

و

.....

و

أشدُّ الأشياءِ تأييداً للعقلِ :

.....

و

.....

و

.....

عين التمييز في كل مجموعة من العبارات التالية:

١- ﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾

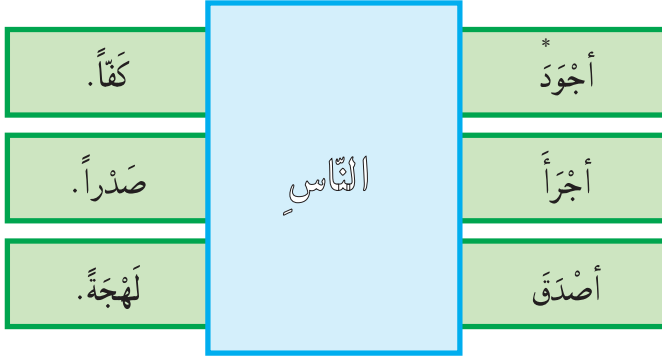
أَلْعُلَمَاءُ أَجَلُ النَّاسِ قَدْرًا.

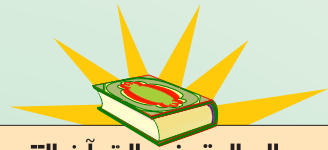
٢- ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾

أَلشَّمْسُ أَقْوَى الكَوَاكِبِ نُورًا.

ترجم النص التالي:

قال أمير المؤمنين الإمام عليّ (ع) وهو يصف أخلاق رسول الله (ص):
كان رسول الله (ص) ...





ماضي

فعل ماضی دلالت بر تحقق امری در گذشته می کند. به عبارت دیگر، محقق شدن آن عمل، امری مسلم است. حال گاهی متکلم برای آن که شدت علاقه ی خود را به تحقق امری که وقوع نیافته است بیان کند، آن را به صیغه ی ماضی بیان می کند تا تفاؤل و میل درونی خود را به تحقیق امر مورد نظر، رسانده باشد؛ آن چنان که در صیغه های دعا این گونه متداول است:

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (خدا از او راضی باد!) دَامَ ظِلُّهُ الْعَالِي (سایه ی بلند او مستدام باد!) قُدَّسَ سِرُّهُ (تربتش پاک و مطهر باد!) وَوَفَّقَكَ اللَّهُ (خداوند تو را توفیق دهد!) و ...

سراعجاز بیانی قرآن، گذشته از زیبایی لفظ و ظاهر، به کیفیت ساختار جملات و نحوه ی به کارگیری کلمات بر می گردد.

گاهی متکلم امری را که در آینده اتفاق خواهد افتاد، به لفظ ماضی بیان می کند تا مسلم الوقوع بودن آن را نشان دهد؛ مانند: ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ...﴾ = آن هنگام که خورشید

علم «بلاغت» یافتن معانی پنهان شده، در ورای چهره ی ظاهری کلمات است!

تاریک گردد ... (از نشانه های قیامت)

در آیات زیر دقت کنید؛ آیا فعل های ماضی در معنای اصلی خود به کار رفته اند یا خیر؟

۱- ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ...﴾

بریده باد دو دست ابولهب و ...!

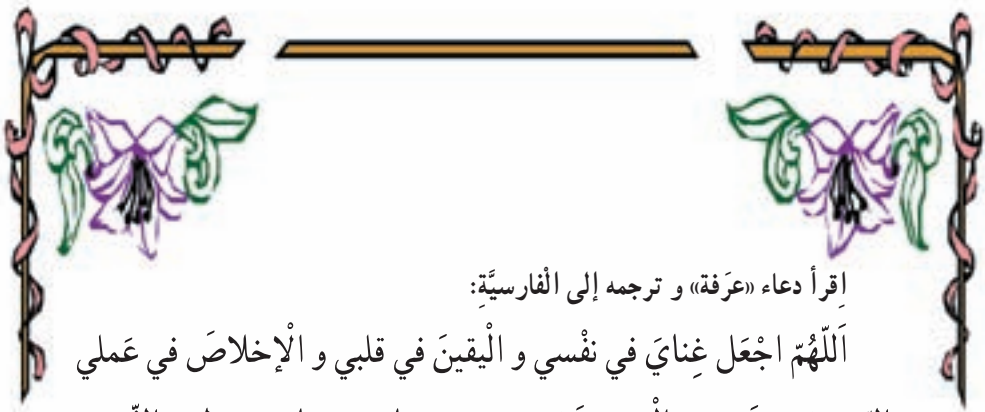
۲- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾

هر آینه ما آدمی را در نیکوترین شکل آفریدیم.

۳- ﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾

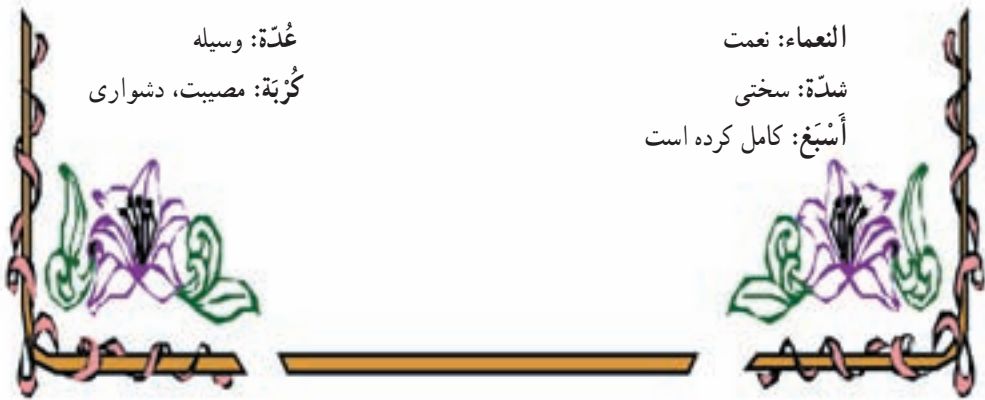
پس هر که ترازوی اعمال خیر او سنگین باشد، پس او در زندگانی پسندیده و خوشایندی

است.



إقرأ دعاء «عرفة» و ترجمه إلى الفارسيّة:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي
وَ التَّوَرَّ فِي بَصْرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي... يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذَّنُوبِ
بِحِلْمِهِ ؛ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ،... يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي
وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي... يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ عَظُمَتْ
خَطِيئَتِي فَلَمْ يُفْضَحْنِي... فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ...



عُدَّة: وسيله

كُرْبَةٌ: مصيبت، دشواری

النعماء: نعمت

شِدَّة: سختی

أَسْبَغَ: کامل کرده است